

حقوق بشر و رشد و تحول تعهدات حقوقی بین‌المللی شرکت‌ها و موسسه‌های بازرگانی

رها لوسین زهادی
دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل

Nicholas Howen, *The International Council on Human Rights Policy, Beyond Voluntarism: Human Rights and the Developing International Legal Obligations of Companies*, Versoix: International Council on Human Rights Policy, 2002, 177 pages.

در ۱۷۸ صفحه توسط هیأتی مرکب از حقوقدانان، اقتصاددانان و... تهیه و تنظیم شده و آقای Nicholas Howen به عنوان سرپرست گروه مزبور آن را گردآوری و به رشته نگارش درآورده است. کتاب مورد بحث در سال ۲۰۰۲ توسط شورای بین‌المللی سیاست‌گذاری حقوق بشر در

کتاب مورد نظر راجع است به اینکه آیا اصولاً شرکت‌های خصوصی مسئولیت رعایت و تضمین حقوق را دارند یا خیر؟ عنوان کتاب، حقوق بشر و رشد و تحول تعهدات حقوقی بین‌المللی شرکت‌های بازرگانی و موضوع عدم اقدام خودسرانه از سوی این شرکت‌ها می‌باشد. این کتاب

کشور سوئیس به چاپ رسیده است. در تحلیل و بررسی پرسش گفته شده، که پرسش اصلی کتاب می‌باشد، گردآورندگان مطالب کتاب اجمالا قبول دارند که مسئولیت شرکت‌ها در قبال رعایت موازین حقوق بشر، موضوعی است که مورد توجه خود این شرکت‌ها و از سوی دیگر دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و غیردولتی، سرمایه‌داران و مشتریان می‌باشد. اینکه شرکت‌ها باید موازین اخلاقی و انسانی را در انجام فعالیت‌های خود مورد احترام قرار دهند یک مسأله جدید نیست، چون حمایت از حقوق کارگران یا حفاظت از محیط‌زیست، همواره توسط دولت‌ها مورد توجه قرار گرفته و برای رعایت آن، موازین و قواعد مبسوطی تاکنون در گوشه و کنار جهان تدوین شده است. ولی اینکه شرکت‌ها در رعایت حقوق بشر یک تکلیف حقوقی و قانونی داشته باشند یک مسأله و پدیده حقوقی جدید است. به طور سنتی حقوقدانان همیشه در رعایت حقوق بشر، مسئولیت اصلی را متوجه دولت‌ها می‌دانسته‌اند و جدیداً این نگرش

خود را به سوی بازیگران بخش خصوصی یعنی شرکت‌ها، بنگاه‌ها، مؤسسه‌های بازرگانی و تجاری نیز معطوف نموده‌اند. در عمل نیز این شرکت‌ها در طول سالیان گذشته، خود واضح قواعد و موازین اخلاقی محیط کاری خود بوده‌اند و لذا این اقدامات خودسرانه، فاقد هرگونه ضمانت اجرایی لازم و مسئولیت قانونی شفاف بوده است. در این رابطه می‌توان به انواع دستورالعمل‌های رفتاری و حتی مجموعه‌های راهبردی سازمان ملل متحد در این رابطه اشاره نمود. شاید به نظر برخی از محققان، موازین بین‌المللی کار یا اعلامیه جهانی حقوق بشر، مبنای مناسبی برای خط‌مشی‌دهی فعالیت‌های شرکت‌ها باشد ولی آنچه در اینجا توجه به آن ضروری است این است که در برخورد با این موازین هیچ‌گاه تعهد و الزام قانونی وجود نداشته است.

پرسش دوم کتاب این است که، آیا نظام بین‌الملل حقوق بشر قابل اعمال بر شرکت‌ها علاوه بر دولت‌ها می‌باشد؟ موضوع بسیار پیچیده و گاه لاینحل به نظر می‌رسد. ولی به تازگی هم مدافعان حقوق

بشر و هم حقوقدانان و هم سیاست‌گزاران معتقدند که باید این تعامل قابل دستیابی باشد. در این کتاب تلاش شده است تا امکان برقراری این تعامل مورد بررسی قرار بگیرد و جوانب مثبت و منفی آن تحلیل شود. کتاب به دلیل شاخصه گردآوری انواع گزارش‌های علمی، اقتصادی، تکنیکی، حقوقی و حقوق بشری در نوع خود بی‌مانند است و ما در عمل کمتر چنین مطالعه چندساحتی در تهیه و تدوین یک کتاب در رشته حقوق می‌بینیم. کار گردآوری گزارش‌ها از فوریه سال ۲۰۰۲ از طریق برپایی همایش‌ها و سمینارهای مختلف در اقصی نقاط جهان شروع شد و در این رابطه از هر شخص حقیقی و حقوقی با هر نوع تخصص و علاقه‌مندی دعوت به همکاری شد. منتخبین به گروه‌های تخصصی متعددی تقسیم‌بندی شدند و هرچند وقت یکبار جهت بحث و تبادل نظر و هماهنگ‌سازی گرد هم جمع می‌شدند.

در سال ۲۰۰۱، پیش‌نویس کتاب، تهیه می‌شود و جهت دریافت اظهارنظر و هر نوع پیشنهاد در اقصی نقاط جهان میان

گروه‌های ذینفع مانند شرکت‌های خصوصی، شرکت‌های دولتی، سازمان‌های بین‌المللی، مؤسسه‌های غیردولتی، کارشناسان و متخصصان و... توزیع می‌شود. با توجه به اظهارنظرهای به عمل آمده، کتاب به صورت حاضر تدوین و منتشر می‌گردد.

منظور از کلمه شرکت^۱ در کتاب، هر نوع مؤسسه بازرگانی خصوصی است و هر جا از کلمه‌ی بازرگانی یا مؤسسه استفاده شده، تنها به دلیل کاربرد مصادیق حقوقی آن می‌باشد. عده‌ای از متخصصان معتقد هستند که تحلیل و بررسی تعهدات حقوق بشری شرکت‌ها باید تنها به شرکت‌های چندملیتی محدود شود، ولی در کتاب موردنظر این بررسی کلی و جامع در رابطه با انواع شرکت‌های حقوقی بازرگانی صورت گرفته است.

منظور از حقوق بین‌الملل در کتاب نیز، قواعد موجود در توافقنامه‌های منعقد شده میان دولت‌هاست که معمولاً به آنها معاهده یا کنوانسیون گفته می‌شود و همچنین قواعد استخراجی از رویه

1- Company

نکات کلیدی و فرضیه‌های مطرح شده

اقدامات خودسرانه شرکت‌ها در رعایت و تضمین حقوق بشر کافی و جامع نبوده است

از سوی ارکان مختلف جامعه بین‌المللی و داخلی به تکلیف شرکت‌ها در رعایت حقوق بشر توجه شده است. ولی این دقت باید بیشتر به سوی نقش حقوق بین‌الملل در این ارتباط معطوف شود که می‌تواند به سادگی مسئولیت‌های مزبور را در یک چارچوب قانونی تعریف و توصیف نماید و از مرزهای داخلی کشورها نیز عبور کند. بنابراین، اقدامات خودسرانه به عمل آمده تا به امروز ناکافی و در بیشتر موارد قابل ایراد هستند. (ص ص ۱۸-۷)

نظام بین‌الملل حقوق بشر (تعهدات مستقیم و غیرمستقیم شرکت‌ها)

در ۵۰ سال گذشته، سازمان‌های منطقه‌ای و همین‌طور سازمان ملل متحد موازین حقوقی بین‌المللی مختلف و متعددی در

دولت‌ها که در طول زمان شکل می‌گیرند و گاهی در معاهدات میان دولت‌ها به آن اشاره می‌شود و گاهی نیز ذکری از آن به میان نمی‌آید (حقوق بین‌الملل عرفی)

در حقوق بین‌الملل دو نوع قاعده حقوقی وجود دارد: غیرقابل انعطاف و سخت^۱ و قابل انعطاف و نرم^۲. حقوق سخت معمولاً در ضمن معاهدات بین‌المللی بیان می‌شود و حقوق نرم در ضمن مفاد قطعنامه‌ها یا موازین ابداعی توسط سازمان‌های بین‌المللی و حتی در ضمن مفاد اعلامیه‌های مشترک دولت‌ها.

عبارت حقوق بشر نیز معانی مختلفی را در کتاب دارد. منظور کتاب از نظام بین‌الملل حقوق بشر^۳ موازین و قواعدی است که توسط دولت‌ها مورد بحث و مذاکره واقع شده تا حقوقی را تبیین و توصیف کنند که مورد شناسایی و حمایت بین‌المللی قرار بگیرد. در یک بخش جداگانه در کتاب محدوده ضمانت اجرای این نظام مورد بحث و بررسی قرار گرفته شده است. (ص ص ۷۵-۲۱)

1- Hard Law

2- Soft Law

3- International Human Rights Law

زمینه رعایت و تضمین حقوق بشر وضع نموده‌اند. هرچند در اصل از تعهدات دولت‌ها و مسئولیت اصلی آنها در این رابطه سخن گفته‌اند ولی با این حال امکان تسری این مسئولیت به شرکت‌ها وجود دارد. تعهدات مورد بحث به دو وجه قابل تسری به شرکت‌ها می‌باشند:

الف - دولت‌ها تکلیف حمایت از حقوق بشر را به عهده دارند و در نتیجه باید عدم نقض آن قواعد را از سوی اشخاص خصوصی اعم از حقیقی و حقوقی (شرکت‌ها) تضمین نمایند. در واقع در اینجا نوعی تعهد غیرمستقیم رعایت قواعد حقوق بشری برای شرکت‌ها در نظام بین‌الملل حقوق بشر تدوین شده است. (در معاهدات عام و خاص حقوق بشری - در تفسیرهای به عمل آمده از سوی دادگاه‌های حقوق بشری - در اجماع دولت‌ها - و حتی در موارد خاصی مانند کنفرانس پکن^۱)

ب - هنگامی که دولت‌ها نمی‌توانند یا مایل نیستند خود اقدام مؤثری انجام دهند، نظام بین‌الملل حقوق بشر، تعهدات

مستقیمی را بر دوش شرکت‌ها بار می‌کند. تعهدات مستقیم در اصل به طرز غیرقابل انعطاف و دقیق در این نظام تبیین شده‌اند، بنابراین محدوده کافی و مناسبی جهت گسترش این مسئولیت‌ها بر شرکت‌ها با توجه به تمایلی که هم اکنون در میان ارکان مختلف جامعه بین‌المللی وجود دارد قابل مشاهده است.

اهمیت نقش دولت‌ها

دولت باید اقدامات مؤثری در جهت ممانعت و مجازات نقض قواعد حقوق بشر توسط اشخاص حقیقی و حقوقی انجام دهد. دولت‌ها مکلف هستند، راه‌حل‌های مناسب قانونی در اختیار قربانیان نقض حقوق بشر در سیستم قضایی و غیرقضایی خود تعبیه نمایند. در واقع مسئولیت اولیه و اصلی حمایت از حقوق بشر باید همچنان بر عهده دولت‌ها باقی بماند. مشکل اصلی و ضعف اساسی دستورالعمل‌های رفتاری و سایر تلاش‌های خودسرانه‌ای که در این ارتباط از سوی شرکت‌ها یا سازمان‌های مختلف صورت گرفته، این است که به مسئولیت

1- Beijing

اساسی دولت‌ها بی‌توجه بوده و هستند.
(ص ۴۵)

حقوق بین‌الملل در حال تحول و رشد است

حقوق بین‌الملل ساکن و راکد نیست، قواعد آن در رابطه با حقوق بشر در سایه تفاسیر به عمل آمده از سوی سازمان‌های بین‌المللی، دولت‌ها و دادگاه‌های ملی در حال تغییر و تحول است و موازین جدیدتری در حال تهیه و تدوین است.
(ص ص ۴۱-۲۱)

ورای خودسری

مسئله حقوق و حتی نظام بین‌الملل حقوق بشر به طور خاص، تنها وسیله مناسب جهت تضمین فعالیت‌های شرکت‌ها در زمینه رعایت حقوق بشر نمی‌باشد. شاید اقدامات خوسرانه به عمل آمده در زمینه تهیه و تدوین قواعدی در این رابطه، نتایج مثبتی تاکنون در برداشته است و حقوق بین‌الملل نیز از سوی دیگر بسیار مطلق و در عمل مشکل بوده باشد و شرکت‌ها تا به حال موضوع حقوق داخلی واقع شده و

در موارد مختلفی متعهد به رعایت حقوق بشر مانند بهداشت، امنیت، حقوق کار و حفاظت از محیط‌زیست شده باشند. ولی در هر حال این سیاست‌گذاری‌ها تاکنون قانع‌کننده و مجاب‌کننده نبوده‌اند.
(ص ص ۱۸-۷)

مانع قدرت

کارکرد حقوق در عمل لجام‌زدن به قدرت از طریق وضع قانون لازم‌الاجرا و تعهدات مطابق با آن است. اهداف سیاسی و اقتصادی بیشتر دولت‌ها تحت‌الشعاع اهداف شرکت‌های چندملیتی هستند. بسیاری از دولت‌ها نمی‌توانند یا نمی‌خواهند تا به طور مؤثر رفتار شرکت‌ها را تحت کنترل و اختیار درآورند و یا حتی از شهروندان خود در مقابل نقض‌های به عمل آمده از سوی این شرکت‌ها حمایت نمایند. حتی شرکت‌های بسیار کوچک، قدرت خاصی را روی مستخدمان خود و حتی محلی که در آن مشغول فعالیت هستند اعمال می‌کنند. راه‌حل‌های جبرانی حقوقی می‌تواند حمایت مؤثری را از اقشار آسیب‌پذیر در این رابطه بنماید.
(ص ۷۷)

راه‌حل‌های جبرانی

در اصل دستورالعمل‌ها و موازینی که خود شرکت‌ها واضح آن بوده‌اند، به دنبال کسب منفعت در روابط بازرگانی هستند و شرکت‌ها در انجام آنها احساس لطف کردن و از خودگذشتگی می‌کنند تا ادای تکلیف یا رعایت حقوق دیگران. در حالی که در یک مکانیزم قانونی و حقوقی در صورت نقض حقوق بشر، امکان جبران خسارت و پرداخت تاوان ضرر، وجود دارد. بنابراین، در یک فرآیند حقوقی، همه اطراف، اعم از صاحبان حق و صاحبان تکلیف از آن بهره‌مند می‌شوند. (ص ص ۷-۱۸)

عوامل بازدارنده

هرچند اجرای قوانین در دادگاه‌ها بسیار کند صورت می‌گیرد و تضمین مناسب برای اجرای آنها وجود ندارد، ولی وجود یک چارچوب قانونی موجب ایجاد و گسترش فرهنگ پذیرش و رعایت می‌شود. وقتی در یک محکمه، رفتار خاصی، غیرقانونی و نقض حقوق بشر معرفی می‌شود، ناخودآگاه یک عامل

بازدارنده ایجاد می‌کند. به ویژه اگر این محکمه امکان صدور یک حکم بین‌المللی داشته باشد. حقوق به ادعاهای اشخاص مشروعیت قانونی می‌بخشد و لذا شرکت‌ها نیز در برخورد خود با چنین دعاوی، دقت و امان‌نظر بیشتری می‌کنند. در این رابطه لازم به ذکر است که هرچند با ظهور نظام حقوق بشر، حاکمیت مطلق دولت‌ها دچار رخوت و سستی شده است ولی این خود دال بر این مدعا نیست که حتما باید دولت‌ها به جای حاکمیت مطلق عام سابق خود یک حاکمیت مطلق خاص در زمینه امور بازرگانی ایجاد کنند. (ص ص ۷-۱۸)

نکات قوت نظام بین‌الملل حقوق بشر

نکات قوت نظام بین‌الملل حقوق بشر، معیاری مناسب در راستای ارزیابی تلاش‌هایی که در سطح ملی در این رابطه صورت می‌گیرد، است.

در اصل، حقوق بین‌الملل چیزی از اهمیت قانونگذاری ملی نمی‌کاهد. برعکس، تنها دولت‌ها هستند که می‌توانند بیشتر قواعد حقوق بین‌الملل را اعمال

نمایند. مکانیزم‌های اجرایی بین‌المللی معمولاً در صورت شکست تلاش‌های داخلی، مورد استفاده و بهره‌برداری قرار می‌گیرند. حقوق بین‌الملل در مواقعی که سیستم قانونگذاری ملی، ضعیف عمل می‌کند، قادر خواهد بود بین قواعد موجود هماهنگ‌سازی ایجاد کند، می‌تواند به حقوق داخلی، معیارها، پایین‌ترین امکانات موجود و حتی تعریف و توصیف مواردی که اصولاً محال و غیرممکن هستند، استناد کند.

قواعد جدید بین‌المللی دادوستد آزاد، طبیعت چندملیتی بازرگانی مدرن، و بازار رقابت در سرمایه‌گذاری‌ها امکان قاعده‌مندسازی عملکرد و فعالیت‌های شرکت‌ها در سطح ملی را با شکست روبه‌رو کرده‌اند. شرکت‌های بزرگ چندملیتی در اصل از کنترل بسیاری از دولت‌ها خارج هستند. در صورتی که حقوق بین‌الملل پیشرفته و به روز باشد قادر به اجرا در سطح ملی کشورها به طور مؤثر خواهد بود و خواهد توانست موازین مناسبی ایجاد کند که قابل پیاده شدن در انواع کشورها و ورای مرزهای ملی باشد. (ص ص ۴۱-۲۱)

قواعد عام و جهانی

نظام بین‌الملل حقوق بشر دربردارنده موازین و معیارهایی است که جهان‌شمول یا عام‌الشمول هستند و در یک قضیه کلیه اطراف دعوی می‌توانند به طور هدف‌مند فعالیت‌های یک شرکت را مورد داوری قرار دهند. بیشتر توافقنامه‌های حقوق بشری از سوی بیشتر دولت‌ها به طور رسمی به تصویب رسیده‌اند. در مقابل، توصیه‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های رفتاری از چنین قواعد عام‌الشمولی برخوردار نیستند و همیشه و در همه‌جا در معرض ایراد گزینش‌گری هستند. (ص ص ۷۵-۵۵)

قانون موجب تکمیل تلاش‌های

خودسرانه تا به امروز می‌شود

مسئله قانون، کامل‌ترین راه‌حل در این زمینه نیست. قواعد حقوق بین‌الملل نیز در عمل به سادگی پیاده نمی‌شود و نمی‌توانند یک شبه، رفتار شرکت‌ها را تغییر دهند. در رابطه با دولت‌ها هم این نتیجه به سادگی و به سرعت به دست نیامده است. قواعد خود انتخاب شده، به سادگی اجرا می‌شوند چون قابل تطبیق با شرایط و

اوضاع و احوال صنایع و اصناف خاص هستند. حتی در عمل در برخی از موارد از سطح پایین‌ترین موازین حقوق بشری فراتر می‌روند. (ص ص ۱۸-۷)

حتی هنگامی که تلاش‌های خودسرانه کارآیی لازم را دارند، انتقال آنها به یک چارچوب قانونی و حقوقی، تأثیر و نفوذ آنها را بیشتر می‌کند و در مواردی که قابلیت نفوذ مؤثری ندارند، چارچوب قانونی و حقوقی، امکانات و تسهیلات معتبر و مؤثری در جهت گسترش قابلیت‌های آنها فراهم می‌آورد. این دو باید یکدیگر را کامل کنند.

تعهدات قانونی غیرمستقیم شرکت‌ها - تکلیف دولت‌ها در حمایت از حقوق

بشر

نظام بین‌الملل حقوق بشر تنها محدود به نقض‌های به عمل آمده از سوی دولت‌ها یا نمایندگان آنها نیست. خود دولت‌ها نیز مسئول نقض‌های به عمل آمده از سوی اشخاص حقوق خصوصی به ویژه شرکت‌ها هستند. این موضوع در پیمان‌نامه‌های حقوق بشری، اظهارنظرهای

به عمل آمده از سوی نهادهای تخصصی سازمان ملل متحد در تفسیر این پیمان‌نامه‌ها و همچنین احکام صادره از سوی دادگاه‌های منطقه‌ای حقوق بشری در اروپا و آمریکا به تأیید رسیده است.

تکلیف دولت‌ها در تضمین رعایت حقوق بشر از سوی اشخاص حقوق خصوصی توسط بسیاری از دولت‌ها مورد شناسایی قرار گرفته است. برای نمونه در اعلامیه‌ها و قطعنامه‌های صادره از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد و یا در کنفرانس جهانی زن در پکن در سال ۱۹۹۵ این امر شناسایی شده است.

در رابطه با برخی از انواع خاص حقوق بشر مانند حق حیات، حق آزادی از شکنجه، حق آزادی از تبعیض (زنان - نژاد)، ممنوعیت خشونت علیه زنان، حق خلوت شخصی، آزادی بیان و حق غذای مناسب، این مسئولیت مورد شناسایی قرار گرفته شده است.

مسئله دولت‌ها نمی‌توانند برای هر عمل مجرمانه یا هر ضرر وارده از سوی اشخاص خصوصی، مسئول باشند. مسئولیت‌ها هنگامی قابل دفاع خواهد بود

که دولت‌ها در انجام آنها جدیت لازم نداشته و در راستای حمایت از حقوق مردم تحت صلاحیت و حاکمیت خود، قصور ورزند. دولت‌ها باید اقدامات جدی و معقول را در برخورد یا پیش‌گیری از وقوع نقض حقوق بشر اعمال نمایند. در این رابطه می‌توان گفت گاهی دولت‌ها به موجب حقوق بین‌الملل عام و یا پیمان‌نامه‌های خاص حقوق بشری در رابطه با فعالیت‌های خصوصی خود نیز مسئول شناخته می‌شوند. (ص ص ۵۴-۴۵)

تعهدات مستقیم و بلاواسطه شرکت‌ها

حقوق بین‌الملل می‌تواند به طور مستقیم شرکت‌ها را متعهد نماید. سیستم حقوقی بین‌المللی توسط دولت‌ها ایجاد شده ولی تنها برای دولت‌ها وضع نشده است. این نظام در جهت قاعده‌مندسازی شرکت‌ها به طور مستقیم در حال رشد و تحول است و در مقابل، دولت‌ها را نیز به طور غیرمستقیم متعهد می‌نماید. بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی تأیید کرده‌اند که شرکت‌ها باید حقوق بشر را رعایت کنند و بسیاری از موازین بین‌المللی به طور

ضمنی و تلویحی به شرکت‌ها معطوف هستند. از جمله اینها می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر
- اعلامیه سه‌جانبه اصول ناظر بر شرکت‌های چندملیتی و سیاست‌های اجتماعی مصوب سازمان بین‌المللی کار
- رهنمودهایی برای شرکت‌های چندملیتی مصوب سازمان توسعه و همکاری اقتصادی

بسیاری از حقوق‌دانان معتقدند که اعلامیه‌های موجود راجع به فعالیت شرکت‌ها از لحاظ کیفی به طور گزینشی تهیه و تدوین شده‌اند. به عبارت دیگر، از انواع حقوق نرم محسوب می‌شوند که قادر به تحمیل یک الزام و تعهد قانونی بر شرکت‌ها در راستای رعایت قواعد حقوق بشری نمی‌باشند. واقعیت امر از این هم پیچیده‌تر است. قواعد الزام‌آور بین‌الملل حقوقی بر شرکت‌ها نیز تأثیر می‌گذارند. بیشتر نقض‌های فاحش و جدی حقوق بشر در حقوق بین‌الملل کیفری مدنظر قرار داده نشده است. مدیران یا کارمندان در صورت مشارکت یا معاونت در جرایم

علیه بشریت یا جرایم جنگی باید مورد محاکمه قرار بگیرند. (ص ص ۷۵-۵۵)

گرایش‌های موجود راجع به مسئولیت قانونی شرکت‌ها

رشد و پیشرفت حقوق بین‌الملل و تحول قواعد الزام‌آور در یک فرآیند پیچیده و پویایی صورت می‌گیرد. این تحول توسط اعمال و نیز بیانات دولت‌ها و همچنین احکام دادگاه‌های ملی و بین‌المللی، اظهارنظر متخصصان و رفتار و بیان خود شرکت‌ها صورت می‌پذیرد. بیشتر دولت‌ها چه به طور منفرد و چه از طریق عضویت در نهادهای بین‌المللی به این نتیجه رسیده‌اند که شرکت‌ها باید قواعد حقوق بشر را رعایت کنند. بسیاری از مبانی عملی حمایت از حقوق بشر چه آنهایی که به تازگی تهیه شده‌اند و چه آنهایی که در دست تهیه هستند در شکوفایی این گرایش نقش داشته‌اند. تعهدات غیرمستقیم را می‌توان در معاهدات پیشنهادی راجع به مبارزه با رشوه‌خواری و یا کنترل دخانیات مشاهده نمود. دولت‌ها به تازگی در حال مذاکره راجع به مسئولیت‌های غیرمستقیم

شرکت‌ها مانند فروش الماس در برخی از مناطق در دوران جنگ‌های مسلحانه و یا دادوستد غیرقانونی تسلیحات سبک هستند.

کمیسیون فرعی توسعه و ترویج حقوق بشر به عنوان یکی از نهادهای تخصصی سازمان ملل متحد نیز یک طرح پیش‌نویس اصول اساسی حقوق بشر حاکم بر شرکت‌های تجاری را در حال تدوین دارد تا شرکت‌ها را به طور مستقیم متعهد نماید. پارلمان اروپا از اتحادیه اروپا خواسته است تا قواعد لازم‌الاجرا راجع به حقوق بشر تهیه کنند تا فعالیت‌های شرکت‌های چندملیتی در اروپا را قاعده‌مند نماید. (ص ص ۱۱۷-۸۳)

امکانات و تسهیلات اجرایی بین‌المللی

در صورت فقدان تسهیلات مؤثر در جهت اجرای قواعد حقوقی بین‌المللی در زمینه رعایت حقوق بشر، مسلماً هیچ ارزش قابل توجهی برای این قواعد قابل تصور نخواهد بود. فرآیندهای ملی و داخلی باید امکانات اولیه اجرای این قواعد را فراهم نمایند. هرچند قربانیان نقض حقوق بشر،

در توسل به دادگاه‌های ملی در شکایت از یک شرکت با موانع متعددی روبه‌رو هستند. قانون ملی در برخی موارد ضعیف و از تاریخ گذشته است. حتی در غیراین صورت هم آیین دادرسی، هزینه‌ها و طول مدت جریان دادرسی و عدم توانایی کافی خود قربانیان و حتی گاهی شرکت‌ها، دستیابی به ضمانت اجرایی مؤثر را با مشکل و دشواری روبه‌رو می‌سازد. باید با این موانع برخورد شود و دست کم به طور موقتی یا موردی به آیین دادرسی بین‌المللی استناد شود. در این کتاب چند مورد از این فرآیندها تشریح شده است. (صص ۱۱۵-۱۰۳)

تکلیف دولت‌ها در حمایت از حقوق بشر

بسیاری از فرآیندهای بین‌المللی برآیند اجرای تعهدات بین‌المللی حقوق بشری دولت‌ها را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. سازمان ملل متحد و برخی از مکانیسم‌های منطقه‌ای به کمیته‌های تخصصی امکان تجزیه و تحلیل معیارهای مورد استفاده دولت‌ها و در برخی موارد

وصول شکایات اشخاص حقیقی را می‌دهند. نهادهای بین‌المللی مانند کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، رویه دولت‌ها را در این زمینه نظارت می‌کنند. علاوه بر این، فرآیندها و مبانی عملی حمایتی بین‌المللی خاص دیگری نیز تاکنون در این رابطه تدوین شده‌اند: مانند توافقنامه دادوستد آزاد آمریکای شمالی^۱ و نهاد تخصصی سازمان کار بین‌المللی^۲. (ص ۵۵)

اعمال تعهدات مستقیم توسط شرکت‌ها

تنها دو فرآیند بین‌المللی وجود دارند که میزان رعایت حقوق بشر از سوی شرکت‌ها را به طور مستقیم مورد ارزیابی قرار می‌دهند. مانند شرایط اجرایی اعلامیه سه‌جانبه اصول ناظر بر شرکت‌های چندملیتی و سیاست‌های اجتماعی سازمان بین‌المللی کار و همچنین رهنمودهای سازمان توسعه و همکاری اقتصادی پیرامون شرکت‌های چندملیتی. هرچند این قواعد و موازین به طور رسمی باید توسط

1- NAFTA

2- ILO

دولت‌ها به مورد اجرا گذاشته شوند، ولی مسلماً اجرای صحیح آنها نیازمند همکاری شرکت‌های چندملیتی است. به تازگی دادگاه‌های ملی نیز در ارزیابی رعایت حقوق بشر توسط شرکت‌ها چه در محل اداره خود و چه در خارج از آن و چه به صورت مشارکت در فعل یا ترک فعل در این رابطه دست به اقدامات قابل توجهی زده‌اند. (ص ص ۷۱-۵۸)

مشارکت در نقض حقوق بشر

گاهی شرکت‌ها در نقض حقوق بشر توسط دیگری به ویژه نمایندگان دولت و نهادهای تابعه آن مسئول شناخته می‌شوند. هرچند قواعد بین‌المللی صریح و روشنی در این رابطه وجود ندارد ولی اصول ناظر بر جرایم خطئی و حقوق داخلی و بین‌المللی کیفری تا اندازه‌ای در این رابطه راه‌حل مناسب ارائه کرده‌اند. همین اصول توانسته‌اند قواعد حقوقی بین‌المللی را در تعریف و تشخیص مشارکت شرکت‌ها در نقض حقوق بشر گسترش دهند.

در چهار صورت یک شرکت می‌تواند در نقض حقوق بشر به عمل آمده توسط

مقامات سیاسی متهم به مشارکت شود:

۱. هنگامی که به طور فعال در نقض حقوق بشر توسط دیگران مساعدت مستقیم یا غیرمستقیم می‌کند.

۲. هنگامی که با یک دولت همکاری رسمی و مشارکت عملی دارد و به طور حتم از نقض حقوق بشر توسط آن نهاد دولتی در اجرای قرارداد مشارکت اطلاع دارد.

۳. هنگامی که از نقض حقوق بشر، منفعت سرشاری نصیب شرکت می‌شود، حتی اگر عملاً و عامداً در انجام نقض مساعدت و همکاری ننماید.

۴. هنگامی که در مقابل نقض حقوق بشر توسط سایرین سکوت اختیار کرده و اقدامی نمی‌کند.

در انواع سه‌گانه نخست، امکان اثبات اتهام بسیار ساده است ولی در نوع چهارم به نظر می‌رسد این همکاری شرکت تنها به صورت یک تکلیف اخلاقی اجباری باشد تا حقوقی. (ص ص ۱۴۱-۱۲۱)

